



دوفصلنامه علمی دانشگاه الزهرا (س)

زمینه انتشار: هنر

مقاله پژوهشی (صفحات ۱۱۹-۱۳۴)

[/https://arjgap.alzahra.ac.ir](https://arjgap.alzahra.ac.ir)

کلیدواژه‌ها: نیلوفرآبی (لوتوس)، شهر ساسانی، اندیشه سیاسی ایران شهری، زیبایی شناسی

نقش مایه نیلوفر آبی و نقشه شهرهای مدور ساسانی در نسبت با مفاهیم ایران شهری

چکیده

اندیشه سیاسی ایران شهری از مهمترین مؤلفه‌های اثرگذار بر شکل‌گیری هویت ایرانی است. بر مبنای جایگاه درستی و راستی در این اندیشه، اشه به عنوان یک مفهوم بنیادین و دادگری به عنوان خویشتکاری کانونی، ساختار مفهومی اندیشه سیاسی ایران شهری را معنا می‌بخشد. این ساختار، بر روش‌شناسی و معیارهای ارزش‌گذاری زیبایی‌شناسی و همچنین اخلاق جامعه ایرانی اثر گذار بوده و ویژگی‌های متعددی از زندگی ایرانیان را شکل می‌دهد. دوران ساسانی یکی از مقاطع اساسی ظهور این اندیشه محسوب می‌شود. در این دوران، شباهت‌هایی در نقش مایه نیلوفر به عنوان امری زیبایی‌شناسانه و نقشه شهرهای ساسانی به عنوان امری اجتماعی وجود دارد. از این رو، این فرضیه قابل طرح است که درک نظام مفاهیم ایران شهری، بر گسترش فرم زیبایی شناسانه نیلوفر و نقشه شهرهای مدور ساسانی، به عنوان ساختارهایی متشابه، اثر گذار بوده است. لذا این سوال طرح شد که بروز نقش مایه نیلوفر در فرم‌های اجتماعی و زیبایی‌شناسانه دوران حکومت ساسانیان، چه نسبتی با نظام مفاهیم ایران شهری دارد؟ در این مطالعه، روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و تاریخی بوده و روش گردآوری داده‌ها به صورت اسنادی و کتابخانه‌ای است. ضرورت و اهمیت این مقاله نیز در بررسی وجوه سیاسی - اجتماعی هنر ایران است. همچنین این نتیجه به دست آمد که در دوران ساسانی، نقش نیلوفر به عنوان نماد اشه، الگویی بنیادین در فرم زیبایی‌شناسانه و اجتماعی بوده است و محقق کردن آن با دادگری و شایستگی برای کسب فره ایزدی همراه بوده است. از آنجا که دادگری فعلی الزام آور بوده تبلور این نقش نیز به عنوان یک قانون و الگوی اجتماعی و زیبایی‌شناسانه در این دوران مطرح بوده است.

میثم روشنی

دانشجوی دکتری پژوهش و تاریخ هنر، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران، نویسنده مسئول.

meysamroshani@modares.ac.ir

علی اصغر فهیمی فر

دانشیار گروه تاریخ و پژوهش هنر، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

fahimifar@modares.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳-۰۸-۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳-۱۰-۰۴

1-DOI: 10.22051/pgr.2024.48877.1300

مقدمه

شاید بتوان یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های تمدن ساز زندگی ایرانیان در طی تاریخ را تلاش برای ساماندهی به اندیشه‌ای فراگیر و جهانشمول محسوب کرد. اندیشه‌ای که کلیه شئون زندگی فردی و اجتماعی از جمله سیاست، دین، اخلاق و هنر را به انسجام درآورده و متناسب با ضرورت‌های برپایی تمدن ایرانی پاسخ‌گوی نیازهای فراگیر ایشان باشد. اندیشه سیاسی ایران‌شهری با شکل‌دهی به نظام معرفت‌شناسی ایرانی و نحوه تعریف و مواجهه با ضرورت‌های متعدد اجتماعی و فردی، در مقاطعی از تاریخ و به ویژه در دوران ساسانیان، از مهمترین مؤلفه‌های اثرگذار بر شکل‌گیری هویت ایرانی محسوب می‌شود.

این اندیشه بر مبنای درک اشنه^۱ به عنوان نظم مقدس هستی شکل گرفته و با تأکید بر مفهوم دادگری قوام یافته است. در این اندیشه اشنه به عنوان قانونی الهی و دادگری به معنای به اجرا درآوردن قانون است. دادگری به عنوان خویشکاری قانونی این اندیشه، با به التزام در آوردن کنش‌های هر فرد، محدوده ذهنیت، سخن و رفتار او را مشخص می‌کند و نظام اجتماعی را شکل می‌دهد. اما بیش از این، دادگری با دگرگونی و گسترش در وجوه مختلف، ساختار مفهومی این اندیشه را با درکی برآمده از اشنه، معنا بخشیده و قابل ارزش گذاری می‌نماید. در نتیجه، این ساختار، روش شناسی و معیارهای ارزش‌گذاری ایران‌شهری را نیز شکل می‌دهد. بر این اساس، نظام ارزش‌های زیبایی شناسانه و اخلاق ایرانی را نیز می‌توان برآمده از درک انسان ایرانی از اشنه و التزام او به دادگری به عنوان الگوی اصلی کنشگری افراد دانست. در چنین نظامی از اندیشه، فرم‌های هنری نیز می‌بایست تبلور دادگری و نتیجه رفتار انسانی دادگر می‌بود. وجود چنین انسجامی، به ویژه در دوران متقدم حکومت ساسانیان، وجهی متشابه را در ساختارهای مختلف اجتماعی و هنری مورد توجه قرار داده است.

از یکسو نقشه شهر اردشیر خوره که توسط اردشیر بابکان مؤسس سلسله ساسانیان بنا شده، به عنوان فرمی از زندگی اجتماعی به شکل ویژه‌ای نقشی نیلوفرین را تداعی می‌کند. از سوی دیگر نقش نیلوفر علاوه بر تزئینات دوران ساسانی، در مهم‌ترین نقش برجسته‌های این دوران همچون انتصاب اردشیر دوم به شاهی و پیروزی شاپور اول، به عنوان فرمی زیبایی شناسانه به شکل ویژه‌ای جلب توجه می‌کند.

براین اساس شباهتی ویژه که اهمیت و ضرورت این پژوهش را شکل داده است، در فرم‌های زیبایی شناسانه و اجتماعی این دوران قابل مشاهده است. در نتیجه، در این مطالعه این سوال طرح شد که بروز نقش‌مایه نیلوفر در فرم‌های اجتماعی و زیبایی شناسانه دوران حکومت ساسانیان، چه نسبتی با نظام مفاهیم ایران‌شهری دارد؟ در این مطالعه، روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و تاریخی و روش گردآوری داده‌ها به صورت اسنادی و کتابخانه‌ای است. با مورد توجه قرار دادن مفهوم دادگری به مقایسه تطبیقی نقش‌مایه نیلوفر و نقشه شهرهای ساسانی پرداخته شد. این پژوهش با ماهیت، توصیفی-تحلیلی و تاریخی و روش گردآوری داده‌ها به صورت اسنادی و کتابخانه‌ای ابتدا جایگاه نقش نیلوفر و پس از آن نقشه شهرهای را مورد بررسی قرار داده است. پس از آن مفهوم دادگری براساس اندیشه ایران‌شهری مورد تبیین قرار گرفت تا براساس آن فرم زیبایی شناسانه و اجتماعی در نسبت با یکدیگر مورد تحلیل قرار داده شود.

پیشینه پژوهش

نسبت میان نقش‌مایه گل نیلوفر آبی و مفاهیم ایران‌شهری چون فرایزدی و یا جایگاهی قدسی برای آن در پژوهش‌های متعددی مورد توجه بوده است. فرقدان و هوشیار (۱۳۸۹)، «بررسی تطبیقی مفاهیم گل نیلوفر آبی در ایران، هند و مصر» به جنبه‌های مختلف این نماد در ایران، هنر و مصر پرداخته و در ایران پیوند این گل با الهه میترا و آناهیتا را مورد تأکید قرار می‌دهند. حسن بلخاری (۱۳۸۹)، در مقاله‌ای با عنوان «نیلوفر ایرانی، نیلوفر بودایی (بررسی موردی: نقش نگاره تاجگذاری اردشیر دوم در طاق بستان)» به بررسی جایگاه گل نیلوفر به عنوان نمادی برای ایزدان ایرانی و بودایی پرداخته است. رضوی و خواجه گیر (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی نقش نیلوفر آبی در هنر ایران باستان و دوران اسلامی» با توجه به کتیبه‌های ساسانی این موضوع را قابل تأمل دانسته‌اند که گل نیلوفر می‌تواند نمادی از فره ایزدی محسوب شود که توسط آناهیتا و یا در حضور وی اعطا می‌شود. حسنوند و شمیم (۱۳۹۳)، «بررسی نقش‌مایه گل لوتوس در هنر مصر، ایران و هند» خاستگاه نقش‌مایه نیلوفر را در نسبت با اساطیر مصر، ایران و هنر مورد بررسی قرار داده‌اند. از سوی دیگر حیدری (۱۴۰۱)، «ساخت شهر اردشیرخوره بر پایه اندیشه مَندَلَه‌ی اوستایی-ودایی و ارتباط آن با خاستگاه ساسان» به بررسی نقشه شهرهای ساسانی پرداخته و آن را متأثر از درک منابع ایران‌شهری چون اوستا می‌داند.

تقدس، قانون و آئین ایزدی و پاکی دانست (اوشیدری، ۱۳۷۱: ۹۲-۹۳). اشه که در وداها رته^۲، در اوستا اشه و در کتیبه‌های فارسی باستان ارته^۳ خوانده می‌شده، مفهومی خاص هند و ایرانیان بوده و به عنوان نیروی پایداننده نظم جهان و ناموس ازلی طبیعت درک می‌شده است (رضایی‌راد، ۱۳۷۸: ۹۸). اشه معرف نظم مقدس کیهانی است که به عنوان قانونی الهی درک می‌شود. در نظام مفاهیم باستانی، قانون از نوعی ضوابط و حدود کیهانی، طبیعی ازلی و ابدی حکایت داشته که دارای منشأیی مینوی بوده و آدمیان از پذیرش و پیروی از آن ناگزیر بوده، لذا درک مفهوم فضیلت و نیکویی، بر مبنای انطباق هر چه بیشتر با این ناموس ازلی شناسایی می‌شده است (رستم‌وندی، ۱۳۸۸: ۵۲). این مفهوم، ادراک حیات و هوش عالم را شکل داده و هستی را یک کلیت نظام یافته می‌ساخت (رجایی، ۱۳۷۵: ۱۲۰). در باور ایران‌شهری، باور و تعهد به اشه، فرد را اشون ساخته و هم سعادت اخروی و هم برکت و تقدس را در زندگی خاکی برای او به همراه داشت. فرد اشون بر مبنای تعهد خود به نظم آفرینش و قانون اشه، نور ایزدی خود را که با مفهوم فره ایزدی تعریف می‌شد کسب می‌کرد. فره ایزدی سعادت، رفاه و هستی نیک را برای فرد اشون به همراه می‌داشت (سنگاری و کرباسی، ۱۳۹۶: ۱۳۱). از طرف دیگر اشه به عنوان نماد طبیعت، نظم زندگی اجتماعی، دینی و در بالاترین مرتبه نظم مقدس کیهانی، دانسته شده که با زندگی و مراتب منظم موجودات طبیعی و تمامی شئون زندگی مرتبط است. از آنجا که این نظم مقدس اندازه و قاعده‌ای برای هر آن چیزی است که در جهان وجود دارد و درست است، اشه در بنیان خود معنای حقیقت و راستی را به همراه دارد و آن را برای تمامی موجودات شامل می‌شود (نیبرگ، ۱۳۵۵: ۱۳۰). در نتیجه، مفهوم اشه اساس و بنیان هستی را در سطح کلان و همچنین هر جزء آن را در سطح خرد، به هم مرتبط ساخته و با نظم مقدس قابل درک می‌کرد. بر این اساس درک کردن مفهوم خیر و شر که بر پایه نبرد مقدس کیهانی بروز می‌یابد نیز بر بنیان اشه شناسایی شده و در نسبت با آن معنا می‌یابد. با پذیرفتن این که جهان محل بروز دو نیروی خیر و شر است و انسان می‌بایست به اختیار خود یکی از این دو نیرو را برگزیند و مشارکت خود در این جدال کیهانی را باز یابد، در سطحی دیگر، به درک مفهوم اشه راه می‌بریم. این چنین انسانی که در جبهه نیروی خیر می‌جنگد، به مقام والای اشیویی دست می‌یابد. مقامی که آشکار می‌کند این انسان راستی را پیشه خود ساخته، تمام شئون

همچنین جلیل دارا و الهه صادقی (۱۴۰۰)، «تاثیر آرمانشهر بر شکل گیری مفهوم شهر در دوران ساسانی» نقشه شهرهای مدور ساسانی را متأثر از مفهوم آرمانشهر که از مفاهیم بنیادین ایران‌شهری بوده قلمداد می‌کنند. اما بنا به بررسی صورت گرفته، پژوهشی در خصوص شباهت این نقش‌مایه و نقشه شهرهای مدور ساسانی و نسبت آن با مفاهیم ایران‌شهری یافت نشد، لذا این موضوع در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت.

روش پژوهش

روش پژوهش از لحاظ هدف بنیادی و از نظر ماهیت، توصیفی-تحلیلی و تاریخی است. روش گردآوری داده‌ها به صورت اسنادی و کتابخانه‌ای است. در این مقاله، جایگاه نقش نیلوفر و بروز آن در نقش برجسته‌های انتصاب اردشیر دوم به شاهی و پیروزی شاپور اول و نقشه شهرهای دارابگرد و اردشیر خوره، مورد تحلیل قرار خواهد گرفت. روش انتخاب نمونه هدفمند بوده و تحلیل داده‌ها به صورت کیفی انجام شد. بر اساس اسناد و منابع کتابخانه‌ای، مفهوم دادگری بر اساس اندیشه ایران‌شهری مورد تبیین قرار گرفت. پس از آن، در نسبت با ساختار مفهومی برآمده از درک دادگری، بروز نقش مایه نیلوفر در مصادیق مورد مطالعه (فرم زیبایی شناسانه نقش برجسته‌ها و فرم اجتماعی شهرهای ساسانی) مورد تحلیل قرار گرفت.

مبانی نظری

مفاهیم اشه، نبرد مقدس کیهانی، خیر و شر، فره ایزدی، سرشت قدسی قدرت، پیوسته بودن سیاست با دین، خویشکاری، عدالت، طبقه بندی سه‌گانه اجتماعی و نظریه آرمان‌شهر از مهمترین مؤلفه‌های اندیشه سیاسی ایران‌شهری محسوب می‌شوند (روشنی و کشاورز افشار، ۱۴۰۲: ۱۰۷). نظام مفاهیم این نظریه براساس شیوه ملکداری ایرانیان باستان توسط جواد طباطبایی طرح شده و در تداوم آن مورد بحث قرار می‌گیرد (طباطبایی، ۱۳۹۹). بنا به این نظریه، اندیشه سیاسی ایران‌شهری در طی دوران اسطوره‌ای و تاریخی ایران باستان از عصر پیشا زرتشت تا دوره دین زرتشتی نضج یافته و در دوره‌های حکومت هخامنشیان و به ویژه ساسانیان نمود عملی یافته است (کشاورز افشار، طاووسی و ضمیران، ۱۳۸۹: ۳۹).

اشه

اشه را به اختصار می‌توان مترادف راستی و درستی،

زندگی و ماهیت وجودی خود را بر اساس الگوی قدسی اشته منظم کرده است (رضایی‌راد، ۱۳۷۸: ۹۷).

خویش‌کاری

با تعهد فرد به اشته، افعال او دادگرانه محسوب شده و اشون نامیده می‌شد. چنین فردی فره ایزدی خود را که ملاک سعادت و فرهنگندی بود کسب می‌کرد. با چنین تعریفی، خویش‌کاری تکلیفی برآمده از اشته شناخته می‌شد. در این تعریف، خویشکاری مبین چیستی، هویت و نقش افراد بر مبنای اشته بود. خویش‌کاری را به معنای وظیفه‌ای دانسته‌اند که هر فردی می‌بایست بنابر قوانین و قواعد اشته مسئولیت آن را پذیرفته و به آن عمل کند (رضایی‌راد، ۱۳۷۸: ۱۲۶). بنابراین، هر فردی از افراد جامعه مقامی ثابت داشته و بر اساس درک اشته، کسی نمی‌بایست به حرفه‌ای مشغول گردد، مگر این که حرفه‌ای که از سوی پروردگار برای او مشخص شده و اساسا برای عمل به آن آفریده شده را به انجام برساند (کریستین سن، ۱۳۸۴: ۲۳۰).

جای توجه دارد که بسیاری از واژه‌های پهلوی، دارای دو جنبه انتزاعی و کاربردی بوده که آثار معنایی اجتماعی و فردی مشخصی داشت. این ارتباط به شکل برجسته‌ای میان دو واژه فره و خویش‌کاری در متون پهلوی بیان می‌شود. چرا که هر کس با هر پیشه‌ای، در صورت درست عمل کردن به خویش‌کاری خود، می‌توانست فره بیشتری کسب کند که آثار مثبت و عینی در کنش فرد و حیات اجتماعی و مدنی داشت (سنگاری و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۳۷). به عبارت دیگر، در اندیشه سیاسی ایرانی شهری لازم بود که کنش‌های متقابل افراد بر مبنای قواعد اشته تعریف شود تا ایشان در راستای کسب فره ایزدی هدایت شوند. «خویش‌کاری انسان آن است که در هر وضع تاریخی و اجتماعی که باشد، در دفع نیروهای اهریمنی و نگهداشت داد و آیین الهی بکوشد.» (رستم‌وندی، ۱۳۸۸: ۵۳) یکی از مهمترین مفاهیم برآمده از چنین درکی از جهان، مفهوم آرمانشهر و جایگاه ویژه آن در این اندیشه بود. چرا که در تحقق یافتن اشته به طور کامل، در بعد فردی زندگی آدمیان در شکل الگوی انسان کامل یا اشون مشهود بوده و تجلی می‌یافت و اما از سوی دیگر نیل به آرمان شهر، تحقق غایی اشته و بروز آن در بالاترین بعد اجتماعی زندگی بوده است (میرزاپور آل هاشم و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۷۷).

آرمانشهر

مفهوم آرمانشهر در رساترین شکل، تکرار وضعیت

آغازین هستی به عنوان الگوی حقیقی آفرینش است. (روشنی و کشاورز افشار، ۱۴۰۳: ۱۵۳) تکرار الگویی که کمال مأوای انسان است و بر اساس درک اشته به عنوان یک قانون، انسان را مکلف به نبرد با اهریمن و تکرار وضعیت داد در سرزمین ایران می‌کند. اشته افزون بر آن که دارای وجهی ایستا بوده است، برای انسان، دارای ابعادی پویا و انگیزا نیز محسوب می‌شود (نیبرگ، ۱۳۵۵: ۱۳۰). وجود این مفهوم، با دگرگون کردن مفهوم شهر، تمامی امور زندگی اجتماعی را مکلف به پیروی از اشته و قرارگیری در وضعیت داد در زندگی اجتماعی می‌کند. بر این مبنای ضروری است عینیت تمامی امور در سرزمینی مقدس و در شکل آرمانشهر حاصل شود. در نتیجه، آرمانشهر ایرانی در تمایز با آرمانشهر یونانی که امری مثالی است، در زمین تحقق یافته و حقیقت راستین سرزمین ایران را به عنوان سرزمین مقدس ایرانی شهر شکل می‌داد. در این اندیشه، شهرها، دژها و کاخ‌هایی چون تخت جمشید، ورجمکرد و کنگ دژ، کاخ‌های شاهان به عنوان الگوهای تحقق یافته آرمانشهر محسوب می‌شد (رضایی‌راد، ۱۳۷۸: ۱۶۷). اما در عالی‌ترین شکل از بروز این مفهوم، مهم‌ترین مصداق آرمانشهر، سرزمین ایرانی شهر بود که برترین سرزمین‌ها محسوب می‌شده است. بر این اساس در این اندیشه دادگری؛ به عنوان تکرار فعل ایزدی، وظیفه‌ای عام بود تا آرمانشهر در شکل ایرانی شهر تحقق یابد.

دادگری

براساس مفهوم دادگری، اشته به عنوان قانونی قدسی، ضرورت شکل‌گیری وضعیتی مشخص از زندگی اجتماعی را ضروری می‌ساخت. بر این اساس مفهوم اشته از ساحت کیهانی تا زندگی اجتماعی و فردی گسترش یافته و به عنوان قانونی ازلی و ابدی الزامات اخلاق فردی و اجتماعی را تعریف می‌کرد (میرزاپور، آل هاشم و محمودی، ۱۳۹۹: ۱۷۸). بر این اساس، در اندیشه سیاسی ایرانی شهری، نظم مقدس کیهانی به عنوان قانون الهی (رستم‌وندی، ۱۳۸۸: ۵۲) و دادگری به معنای برقرار ساختن قانون است (رضایی‌راد، ۱۳۷۸: ۱۲۲) از آنجا که اجرای قانون مستلزم درک قانون است، لازمه تحقق خویش‌کاری، درک و پایبندی به نظم مقدس کیهانی بود که افراد را اشون می‌ساخت. براین اساس مفاهیم خویش‌کاری، دادگری و فرهنگندی در بستر آرمانشهر بر مبنای درک اشته با یکدیگر نظام بنیادین اندیشه ایرانی شهری را شکل می‌دادند.

ترسیم می‌کرد و نظم سیاسی را در شکل تکرار نظم کیهانی و بر اساس منازعه کلی خیر و شر شکل می‌داد (احمدوند و حمیدی، ۱۳۸۹: ۴۷). با لزوم دادگری شاه در بستر مفهوم آرمانشهر، شاه ایرانی نماد سرشت قدسی، سیاسی، اخلاقی و پیکارگری اندیشه ایران شهری است. از آنجا که تحقق نظم و سامان امور در ایران شهر و مبارزه با نیروهای اهریمنی مورد انتظار بود، شاه فرهمند آرمانی، کارگزار اصلی نظام سیاسی بوده و با دادگری او اندیشه به کنش و آرمان به واقعیت مبدل می‌شد (رستم‌وندی، ۱۳۸۸: ۵۵). از آنجا که دادگری به عنوان خویش‌کاری اصلی شاه فرهمند، به معنای اجرای قانون الهی (اشه) است، در بنیان اندیشه ایران شهری دیناری برای پادشاه به عنوان یک تکلیف بوده و از جایگاه او جدا نیست. به بیانی دیگر جایگاه پادشاه معادل خلیفه خدا و یا ظل‌الله است (طباطبایی، ۱۳۹۹: ۱۶۳). به تعبیر دیگر کنش‌های شاه فرهمند آرمانی، براساس تکرار عمل ایزدی در آفرینش و سامان‌دهی عالم هستی توسط پروردگار درک می‌شد (رضایی‌راد، ۱۳۷۸: ۲۹۹). با وجود شاه، اشه در جامعه جاری می‌شد و نظم اجتماعی به گونه‌ای برپا می‌شد که ایران شهر با کیفیت‌های آرمان شهر و منطبق بر اشه بسامان شود. بر این مبنا شکل آرمانی و الگوی مقدس درک ایرانی از تکرار منظم امور که لازمه تداوم زندگی و بقاء بود، در شکل دادگری شاه و با هدف شکل‌گیری نظم اجتماعی در آرمان شهر، به عنوان قانونی قدسی لازم‌الاجرا و بر تمامی امور اثرگذار بود.

یافته‌ها

نسبت نیلوفر و نظم مقدس کیهانی در اندیشه‌های باستانی

در ایران باستان نیلوفر به عنوان سمبل و نشانه‌ای از زندگی و آفرینش، ابتدا در آیین مهری ظهور پیدا می‌کند. در زمان هخامنشیان این گل در مراسم رسمی و درباری متجلی می‌شده است. در سده هشتم پیش از میلاد تصویر نیلوفر (احتمالاً از مصر) به فینیقیه و از آنجا به سرزمین آشور و ایران انتقال یافت و در این سرزمین‌ها گاهی جانشین درخت مقدس بوده است. در نتیجه، این گل در اندیشه‌های هستی‌شناسانه مصر و هند نیز جایگاه ویژه‌ای دارد تا آنجا که در این کشورها نمادی از عناصر بنیادین آفرینش دانسته شده و با اساطیر ایشان و چگونگی برپایی نظم قدسی پیوند عمیقی یافته است. در اندیشه‌های مصر باستان نیلوفر نماد

این تعریف از دادگری، فعلیت هر انسان اشون را تکرار فعلیت الهی در آفرینش قرار می‌داد. مرجع اصلی دادگری و اشه، پروردگار است و انسان دادگر با عمل به اشه، فعلیت او را تکرار می‌کند: «اوست پدر نظم و آیین و عدالت. یگانه موجد قانون مقدس طبیعت» (اوشیدری، ۱۳۷۱: ۲۶). تحقق اشه، مستلزم درک این بود که هر پدیده‌ای در تناسب با نظم هستی اگر از مکان، زمان و اندازه‌ای مشخص خارج گردد امری اهریمنی است. بر این مبنا دادگری فعلیت کنش‌گران در برقرار نمودن محدوده و نظم هر پدیده‌ای در تناسب با اشه بود. در دفتر ششم مثنوی مولانا این مفهوم را این‌گونه طرح کرده است: «عدل چه بود وضع اندر موضعش/ظلم چه بود وضع در ناموقعش» (مولوی، ۱۳۷۸: ۹۹۹). در نتیجه، دادگری در کنش‌های متقابل، در واقع برقراری نظم امور و خویش‌کاری افراد در انطباق با اشه بود که ضرورت تحقق آن، برپایی سلسله مراتب اجتماعی توسط شاه فرهمند آرمانی در سرزمینی منطبق بر آرمان شهر بود.

خویش‌کاری شاه فرهمند آرمانی

در اندیشه سیاسی ایران شهری، تحقق آرمان شهر تنها در صورتی ممکن بود که شخص حاکم با دادگری به جایگاه شاه فرهمند آرمانی نائل آید. از آنجا که ضروری بود نظم امور و خویش‌کاری افراد از سوی پروردگار مشخص شود، شاه با دریافت فره ایزدی و انقیاد در اشه، این فعل ایزدی را در شکل دادگری در شهر به انجام می‌رساند. در نتیجه، برپایی خویش‌کاری افراد در جامعه، به عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل نظم اجتماعی، مستلزم سامان دستگاه سیاسی در انطباق با اشه و دادگری شاه در مشخص نمودن خویش‌کاری افراد و سلسله مراتب اجتماعی توسط شاهی فرهمند بود. لذا، نظم اجتماعی با تکرار و تداوم فعل الهی، در شکل فعل شاهانه معنی یافته و دادگری را در تمامی لایه‌ها و سلسله مراتب جامعه، با هدف برپایی آرمان شهر گسترده می‌کرد. بنابراین از آنجا که خویش‌کاری شاه، برپایی نظم مقدس کیهانی در جامعه بود، (طباطبایی، ۱۳۹۹: ۱۶۷) و با الگو قرار گرفتن آرمان شهر، دادگری به عنوان ضرورت وجودی و خویش‌کاری اصلی شاه فرهمند آرمانی طرح می‌شد تا با گسترش و فعلیت یافتن افراد بر مبنای دادگری، آبادانی ایران شهر بر مبنای اشه محقق شود (رستم‌وندی، ۱۳۸۸: ۱۴۷).

در ایران باستان اسطوره و دین، ساخت دو وجهی ادراک هستی را مبتنی بر دو نیروی راستی و دروغ

نظم هستی و خاستگاه ایزدان است. رع^۴ که از مهم‌ترین خدایان ادوار مختلف مصر بوده از درون نیلوفر هستی می‌یابد (حسنوند، شمیم، ۱۳۹۳: ۲۵). در این روایت، دلیل برقراری نظم هستی و برپایی شب و روز، باز و بسته شدن نیلوفری دانسته می‌شود که در جایگاه چشمان رع است. انسان نیز از همان چشم‌های رع که در واقع گل نیلوفر است پدیدار می‌شود. همچنین آمون^۵ که نیروی زندگی و پدید آورنده چرخ آفرینش بود، از دل گلبرگ‌های نیلوفر آبی پدیدار می‌شود (ایونس، ۱۳۷۵: ۴۸-۴۹). همچنین هاپی^۶ که نگهدارنده نظم خدایی دانسته می‌شد با دستاری از نیلوفر آبی ترسیم می‌شد. افزون بر آن، در روایت‌هایی دیگر، ایزدانی چون هوروس^۷ فرزند خورشید، اوزیریس^۸ خدای مرگ مصریان و نماد تولد دوباره، از نیلوفر آبی متولد شده و پس از زاده شدن نفرتوم^۹ از نیلوفر آبی، انسان از اشک او پدید آمد (فرقدان، هوشیار، ۱۳۸۹: ۵۵-۵۶).

در هند باستان نیز، بنا به اساطیر مطرح شده در ریگ ودا کیهان از نیلوفری زرین که بر روی آب‌های کیهانی در حرکت بوده به وجود می‌آید (الداعی، ۱۳۹۷: ۱۳۰). در روایاتی دیگر، برهما خالق یا پروردگار کل، یکی از خدایان سه گانه هندوئیسم در کنار ویشنو و شیوا است و باور به این که نیلوفر زاینده او بوده (بلخاری، ۱۳۸۹: ۱۰۱) بر این اساس این گل در هند نماد پاک‌ی و قداست الهی و نماد راستی بوده و تمثیلی از ظهور حیات در عالم است (فرقدان، هوشیار، ۱۳۸۹: ۴۹) لذا، نیلوفر با خرد حاکم بر نظم هستی که تحقق فعلی ایزدی محسوب می‌شود نسب می‌یابد. از طرف دیگر در اندیشه ایشان، نیلوفر با خویش‌کاری و فره که آن نیز ضرورتاً برآمده از درک نظم هستی بوده، موضوعی قابل توجه است. در نظر هندوها آگنی^{۱۰} تخمی معنوی است که طبیعت و سرشت کلی انسان بر پایه آن رشد می‌یابد و گل نیلوفر آبی محمل آن است. به عبارت دیگر گل نیلوفر آبی بیانگر زایش قدسی و تبدیل بی نظمی به نظم الهی است. چنانکه این گل نماد آگنی و سر بر آوردنش از آب‌های آشفته نخستین بوده است. در اپانیسادهای نیلوفر این چنین با روح هستی پیوند می‌یابد: «پرشی [روح اعلی] که در آفتاب است و عین نور است و بسنده همه عالم است و روشن است همان پرش در میان سوراخ دل نیلوفری آرام گرفته ...» (بلخاری قهی، ۱۳۸۹: ۲۱). همچنین هنگامی که ویشنو درباره خرد و دانش و عقل نیکوکاران صحبت می‌کند، لاکشمی^{۱۱} که نمادی از زیبایی و دلربایی است، در حالیکه دو گل نیلوفر آبی در دست داشته و بر روی یک نیلوفر

آبی دیگر ایستاده مخاطب او است. افزون بر این در آیین ودایی ساراسواتی^{۱۲} که الهه یادگیری و دانش و عقل و به معنی گوهر و ذات هر شخص محسوب می‌شد، را به شکل ایزدبانویی زیبا و نشسته بر روی گل نیلوفر تصویر کرده‌اند (فرقدان، هوشیار، ۱۳۸۹: ۵۲-۵۳). از این رو قابل توجه است که نیلوفر آبی در هند و مصر، فراتر از نسبت یافتن با ایزد یا الهه‌ای مشخص، به عنوان نمادی از فعل الهی در آفرینش هستی، نظم مقدس کیهانی و خرد حاکم بر هستی تجسم یافته است.

جایگاه نیلوفر در ایران باستان

در دوران ساسانیان، نیلوفر آبی نماد حیات و بی‌مرگی، باروری و زایش، کمال و شکفتن معنوی بوده است. (مینسی و شافعی، ۱۳۹۴: ۶۰) در بندهش این گل در نسبت با آناهیتا دانسته شده و تاکید می‌شود: «هر گلی از آن امشاسپندی است ... و نیلوفر آبان [آناهیتا] را» (دادگی، ۱۳۸۰: ۸۸) در ایران باستان این گل منبع همه باروری‌ها دانسته می‌شد (اصغریان بافنده و شیخی، ۱۳۹۹: ۱۲). در دین زردشتی آناهیتا نیز ایزدبانوی نگهبان آب‌های روان و ضرورت حیات، خرد، باروری و نگهبان خانواده بود. چنانکه انسان با درک اشته و التزام به آن به عمل خیر و سعادت دست یافته و از شر و پلیدی به دور می‌ماند، آناهیتا نیز واژه‌ای اوستایی به معنی پاک و دور کننده پلیدی است. پیشوند آن یا آن در زبان اوستایی به معنای نفی است و آهیتا یا آهیتا به معنی پلیدی و زشتی است. با توجه به لزوم تعهد شاهان به اشته که در شکل قوانین دینی امری لازم برای کسب فره‌مندی بود، در نظام سیاسی ایرانیان باستان، التزام به میترا، آناهیتا و اهورامزدا دارای اهمیت و جایگاه ویژه‌ای بود. برای اردشیر دوم هخامنشی آناهیتا ایزدبانوی نگهبان محسوب می‌شد و در تداوم سنن هخامنشیان، آناهیتا ایزدبانوی محبوب و حامی نخستین شاهان ساسانی نیز به‌شمار می‌رفت. ساسان، جد سلسله ساسانیان و فرزند او پاپک^{۱۳} بنیان‌گذار این سلسله در ۲۰۸ م. دارای مقامی ارجمند در معبد آناهیتا در استخر بود (گیرشمن، ۱۳۳۶: ۳۴۶-۳۴۷). بعدها، شاپور اول ساسانی (۲۴۱-۲۷۰ م) نیز از خادمان این معبد بود. اما این نکته مورد تاکید پژوهشگران بوده است که تعهد به آناهیتا، میترا و یا اهورا مزدا، تعهدی مشترک بوده که در واقع تعهد به نظم مقدس کیهانی و آفرینش‌الهی منظور می‌شود (بلخاری قهی، ۱۳۸۹: ۲۳)؛ چنانکه اردشیر دوم هخامنشی (۳۵۸-۴۰۴ م.پ) در یک سنگ نوشته این گونه تاکید می‌کند: «بخواست اهورامزدا این هدیش hadish

داده است. همانگونه که در تصاویر شماره ۱ تا ۵ از جدول شماره ۱ قابل مشاهده است، نقش نیلوفر از دوران پیش از تاریخ ایران، به شکل وسیعی بر روی آثار متعدد قابل مشاهده است. سفالینه‌های به جای مانده در تپه حصار دامغان، آثار به جامانده از تمدن جیرفت، زیور آلات به جامانده از دوران عیلامی و آثار زرین ارجان و زیویه از مثال‌های قابل طرح در این عرصه است. در تداوم این سنت‌های تصویرپردازی و نظام اندیشه ایرانی، این فرم در دوران هخامنشیان با جایگاه ویژه‌ای مورد توجه قرار می‌گیرد. چنانکه نقش نیلوفر در هر دو فرم تصویر شده از بالا و از کنار، به عنوان یکی از موتیف‌های اصلی تخت جمشید محسوب می‌شود (تصاویر ۵-۶ از جدول ۱). اما شاید یکی از مهمترین وجوه این فرم در نسبت با موضوع این مقاله را بتوان، در تصویر شدن آن در دستان شاهان هخامنشی از جمله داریوش دانست. این نقش برجسته‌ها که به عنوان اعلام فرهمندی شاهان هخامنشی دانسته شده است، به شکلی ویژه بر در دست داشتن نیلوفر، به عنوان نمادی از خرد، دین، و نهایتاً نظم مقدس کیهانی، تأکید شده است. همانطور که در تصویر ۸ از جدول شماره ۱ قابل مشاهده است، ایشان با در دست داشتن نیلوفر، تعهد خود را به دین، خرد و نظم مقدس کیهانی آشکار می‌کردند که مبین دادگری شخص شاه و نهایتاً فرهمندی ایشان بود. نقش نیلوفر بر شاهکارهای زرین این دوران از جمله تکوکی زرین که مشخصاً از اشیاء مهم مرتبط با جایگاه شاهنشاه بوده نیز، به چشم می‌خورد (تصویر ۹ از جدول ۱). همچنین این موضوع حائز اهمیت است که بر روی فرش پازریک، به عنوان قدیمی‌ترین دست‌بافته بجای مانده از دوران هخامنشیان، (تصویر ۱۰ از جدول ۱) نقش نیلوفر به گونه‌ای بروز یافته که الگویی برای درفش دوران ساسانیان را شکل می‌دهد. (تصویر ۱۱ از جدول ۱) تصویر این درفش به همراه کعبه زرتشت، با هدف اعلام پایبندی اردشیر ساسانی به اشته و فرهمندی او بر روی سکه‌های این دوران جلب توجه می‌کند (تصویر ۱۲ از جدول ۱). ظرف سیمین بجای مانده از دوران ساسانیان، (تصویر ۱۳ از جدول ۱) تصویری درخور توجه را شکل می‌دهد. در این تصویر که با موضوع تاج و تخت مقدس شاهان ساسانی شکل گرفته است، تخت شاهانه به گونه‌ای تصویر شده که دو نقش نیلوفر زیربنای آن را شکل داده و ستون‌های تخت شاهی نیز از دو نیلوفر ساخته شده است. در واقع همانگونه که جایگاه شاه فرهمند آرمانی مبتنی بر درک اشته و با تعهد و عمل در چارچوب اشته دادگر و شایسته کسب

(کاخ) را که آسایشگاهی است، من ساختم، بکنند اهورامزدا و آناهیتا و میترا مرا و آنچه را من ساختم از همه بد کنشان نگاهداری کنند» (پورداود، ۱۳۴۲، ۹۵). از این رو شاهان هخامنشی با تعهد خود به جایگاه ایزدی، و عمل بر مبنای اشته، دادگری خود را اعلام می‌کردند و با طلب حمایت از جایگاه قدسی، در واقع فرهمندی خود را از ایشان تمنا و به مخاطب اعلام می‌کردند.

از طرف دیگر، با توجه به جایگاه ویژه طبیعت در اندیشه‌های باستانی ایران، جنبه تقدس نیلوفر و انتخاب آن به عنوان نماد نظم و آفرینش الهی به ویژگی‌های طبیعی آن، به عنوان گلی برآمده از آب نیز مربوط می‌شود. آب در اندیشه‌های باستانی نماد اقیانوس کهنی بود که کیهان از آن آفریده شد. نیلوفر که بر روی سطح آب در حرکت بود به مثابه زهدان آن به شمار می‌رفت. از آنجاکه گل نیلوفر در سپیده دم باز و در هنگام غروب بسته می‌شود به خورشید نیز شباهت دارد. خورشید خود منبع الهی حیات است و از این رو گل نیلوفر مظهر تجدید حیات شمسی به شمار می‌رفت. پس این گل، مظهر همه روشننگری‌ها، آفرینش، باروری، تجدید حیات و بی‌مرگی است (غلامپور درزی، علی اسماعیلی، ۱۳۹۹: ۱۷۴).

نیلوفر در نظام زیبایی‌شناسی ایرانیان باستان، بیش از نمادی برای ایزدی مشخص، مظهری همزمان برای میترا، آناهیتا و اهورامزدا بوده (مبینی، شافعی، ۱۳۹۴: ۶۰) و بر این اساس می‌توان آن را نمادی از جایگاه نظم مقدس و آفرینش الهی محسوب کرد؛ چرا که اساساً گل نیلوفر و آناهیتا، برای آریایی‌های باستان، نمادی از پیدایش مینویی و جاودانگی بود (آخوندی، افهمی و پورمند، ۱۳۹۷: ۷۹). البته قابل توجه است، در اوستا این گل به مظهری یگانه برای اهورامزدا به عنوان پروردگار یگانه نیز تبدیل می‌شود. در باور زرتشتیان نیلوفر آبی نمادی از اهورا مزدا و نماد انسانی اهورایی بوده که در شکل فردی تصور می‌شود که در برخی موارد دستانش در حال برکت دادن بوده و یا شاخه‌ای از گل نیلوفر که معادلی برای حلقه قانون بوده را در میان انگشتان خود نگهداشته است (ایزدپرست، ۱۳۸۵: ۵۹). از این رو به نظر می‌رسد در دوران ساسانیان و با شکل‌گیری نظم و انسجام دینی در پرستش خدای یگانه، نیلوفر که نزدیک‌ترین بیان نمادین از مفهوم اشته را شکل می‌دهد، مورد توجه ویژه شاهان ساسانی و نهایتاً جامعه ایران بود.

نقش مایه نیلوفر در تصاویر ساسانیان

در تداوم سنت‌های کهن ایرانی، نقش نیلوفر نتایج مختلفی را در نظام زیبایی‌شناسانه ساسانیان شکل

این نوع تصاویر اهمیت و نقش مذهب در قدرت شاهی و نمایش آن به وسیله این نوع نقش برجسته‌ها را نشان می‌دهد (موله، ۱۳۶۵: ۵۲). در این تصویر زیر پای ایزدمهر سمبل گل نیلوفری جای گرفته و اهورامزدا نیز در حال اعطای دیهیم شاهی به اردشیر دوم ترسیم شده است. اما نکته جالب توجه این است که اردشیر دوم و اهورامزدا بر روی جسد دشمنی، تصویر شده‌اند.

بر این اساس نقش برجسته اعلام شاهنشاهی اردشیر دوم هر سه مفهوم اشته، دادگری و فره‌مندی را با وجود نقش نیلوفر برای مخاطب آشکار می‌کند. از یکسو نیلوفر به عنوان نماد اشته، در این تصویر مرجع اصلی قدرت ایزدی و تکیه‌گاه میترا است. اردشیر دوم اکنون شایسته دریافت دیهیم شاهی و فره‌مندی از سوی اهورامزدا است؛ چرا که با التزام به اشته، عمل خود را در شکل دادگری محقق کرده و نبرد خیر و شر را با به زیر افکندن دشمن اشته به انجام رسانده است. بنابراین، اردشیر دوم با التزام به اشته، دادگر بوده و اکنون شایسته دریافت فره ایزدی از سوی اهورا مزدا است.

فره‌مندی می‌بود، در این تصویر نیز، نیلوفر به عنوان نماد اشته، بنیان جایگاه شاهی را شکل می‌دهد. با چنین جایگاهی برای گل نیلوفر، همانگونه که انتظار می‌رود، این نقش در اشیاء مختلف دوره ساسانی، از جمله اشیائی که موضوع فره‌مندی شاه را به تصویر می‌کشند، بروز وسیعی داشته است (تصاویر ۱۴ و ۱۵ از جدول ۱).

در سطحی دیگر در مطالعه جایگاه نقش نیلوفر در نظام زیبایی‌شناسی دوران ساسانی، می‌توان تصاویر شکل گرفته در نقش برجسته‌های این دوران را مورد توجه قرار داد. در این تصاویر که می‌توان موضوع اصلی آن‌ها را اعلام فره‌مندی شاهان ساسانی قلمداد کرد، نقش نیلوفر به عنوان یکی از عناصر اصلی در شکل‌گیری روایت بصری به کار برده شده است. همانگونه که در تصویر ۱ و ۲ از جدول شماره ۲ قابل مشاهده است، در کتیبه انتصاب اردشیر دوم به مقام شاهنشاهی، چهار پیکره جلب توجه می‌کند. میترا که تکیه‌گاه و محل قرارگیری او نقش نیلوفر است، با هاله‌ای از نور در پشت سر اهورامزدا ترسیم شده است. وجود مجموعه‌ای از

جدول شماره ۱. نقش نیلوفر در ایران باستان

دوران پیش از زرتشت					
	۵. گوشواره زرین زیویه با نقش گل نیلوفر. (منبع: URL7)	۴. یک آویز صدفی با نقش نیلوفر از تمدن عیلام. (منبع: URL7)	۳. در گنجینه ارجان نیز چندین آویز زرین به شکل نیلوفر دوازده پر وجود دارد. (منبع: URL7)	۲. یک جام سنگی جیرفت نیز دسته‌ای از گل‌های نیلوفر شش پر نقش شده‌اند. (منبع: URL7)	۱. نقش نیلوفر، سفالینه‌های کشف شده از تپه حصار، هزاره پنجم پیش از میلاد (منبع: URL7)
دوران هخامنشیان					
	۱۰. نقش نیلوفر در فرش پازیریک، ۲۵۲-۲۳۸ قبل از میلاد، محل نگهداری: موزه آرمیتاژ. (منبع: URL5)	۹. نقش نیلوفر بر تکه‌کوک زرین هخامنشی، موزه ملی ایران. (منبع: URL8)	۸. نیلوفر در دستان داریوش، تخت جمشید. (منبع: URL10)	۷. نقش نیلوفر بر دیواره‌های تخت جمشید. (منبع: URL7)	۶. نقش نیلوفر بر دیواره‌های تخت جمشید. (منبع: URL9)

					دوران ساسانیان
۱۵. دست‌بافته ساسانی با مضامین فره ایزدی و نقش نیلوفر، منبع: (ایرانی ارباطی، خزایی، ۱۳۹۵: ۱۸)	۱۴. بشقاب نقره دوره ساسانی با نقش نیلوفر، منبع موزه آرمیتاژ، منبع: (آزادبخت، طاووسی، ۱۳۹۱: ۶۳)	۱۳. نمایی از تاج و تخت شاهی در ظرف نقره ساسانی، قرارگیری نقش نیلوفر به عنوان پایه و ستون تخت شاهی، موزه متروپولیتن، منبع: (Harper, 1981: XVI)	۱۲. سکه ضرب شده در دوران اردشیر اول ساسانی با تصویر اردشیر، درفش منقش به نیلوفر و کعبه زرتشت، منبع: (URL6)	۱۱. نقش بازسازی شده درفش دوره ساسانی که بر آن نیلوفر نقش بسته است، منبع: (URL2)	

جدول شماره ۲. نقش نیلوفر در تصویرگری جایگاه فرهنگی برای شاهان ساسانی

	
۲. نقش نیلوفر در زیر پای میترا، نقش برجسته انتصاب اردشیر دوم به شاهی، منبع: (URL1)	۱. نقش برجسته انتصاب اردشیر دوم به شاهی، تنگاب، منبع: (URL2)
	
۴. دو نقش لوتوس در دوسوی شاپور دوم، نقش برجسته پیروزی شاپور بر فرمانده رومی، فیلیپ عرب، منبع: (URL4)	۳. تصویر نقش پیروزی شاپور اول بر فرمانده رومی، فیلیپ عرب، منبع: (URL4)

می‌رسد دچار فرسایش شده، بر سینه او به عنوان آشکارترین نمادهای این تصویر نقش بسته است. بنابراین شاپور در حالی تصویر شده که نصرت الهی از آن او بوده و بر این اساس بر فرمانده رومی چیره شده است. از سوی دیگر نفس این عمل شاپور بیان دادگر بودن او است.

در نقش برجسته پیروزی شاپور اول بر فرمانده رومی، فیلیپ عرب نیز، نقش نیلوفر در شکل دیگری، با زنجیره مفهومی اشته، دادگری و فره ایزدی مرتبط می‌باشد. در این تصویر دو نقش نیلوفر بر اسب شاپور به گونه‌ای تصویر شده که محدوده او را مشخص می‌کند و گویا انقیاد او در چارچوب اشته را تداعی می‌کند. دو نقش نیلوفر دیگر نیز که به نظر

نقشه شهرهای ساسانی

در ادبیات ساسانی، شهر به استان، ایالت و یا سرزمین اطلاق می‌شده و آنچه اکنون به عنوان شهر تعریف می‌شود در ادبیات ساسانی معادل شهرستان بوده لذا قابل تأکید است، در این متن شهر به معنای امروزی آن مد نظر است. در این دوران ضرورت برقراری نظم اجتماعی، دادگری و نهایتاً الگوی زندگی در آرمانشهر را به عنوان یکی از مسائل بنیادین مطرح کرده و بر تمامی شئون زندگی اجتماعی از جمله نقشه شهرهای ساسانی اثرگذار بود. در نتیجه تناسب نقشه شهر با آرمانشهر را می‌توان از موضوعات اصلی نظام سیاسی و به فراخور آن شهرسازی ساسانیان دانست (دارا، صادقی، ۱۴۰۰: ۱۰۷). ایشان در تلاش بودند تا با پیروی از اشته دو وجه آرمانی و در هم‌تنیده این اندیشه که آرمانشهر و شاه فرهمند آرمانی بود را محقق کنند. با الگو قرار گرفتن آرمانشهر، شهرسازی دارای ضرورت‌های مادی و معنوی مشخصی بود. بر چنین معیاری، نظام معرفت شناختی ایران شهری، هم هستی و کالبد شهر که برقرار کننده کنش‌های اقتصادی و اجتماعی بوده و هم نظام اندیشگانی حاکم بر شهر را برآمده از اشته و در شکل آرمانشهر شکل می‌داد. امری که دادگری شاهی فرهمند، ضرورت بنیادین آن بود. چنانکه در وندیداد^{۱۴} که یکی از بن‌مایه‌های اساسی اوستا را شکل داده و عمدتاً به مباحث فقهی و قانونی می‌پردازد به صراحت، الزاماتی برای بنای شهر آرمانی از سوی اهورامزدا به عنوان وظیفه جمشید طرح می‌شود (مزدایور و الوند، ۱۳۹۱: ۵۸۱). در پیوند با آنچه اشاره شد، دوران سلطنت اردشیر بابکان اهمیت ویژه‌ای دارد. چرا که او با هدف تجدید نمونه مینوی سلطنت الهی، نظام شاهی که پیش از آن دستخوش بی‌نظمی شده بود را به نظم درآورد و دین و سیاست را در کنار هم نهاد (رضایی‌راد، ۱۳۷۸: ۱۴۲ و ۱۴۳) در زمان او چند خدایی و حکومت ملوک‌الطوایفی به عنوان معضلی بجا مانده از هجوم رومیان، رخت بر بست و جای آن را سامان نظام مقتدر مرکزی گرفت. همچنین دین زرتشت به عنوان دین رسمی تعریف شد (انصافی و احمدوند، ۱۳۹۸: ۳۴). در نتیجه این دوران همراه با تحولات ویژه‌ای در نظام اجتماعی ایران بود که یکی از مهمترین شکل‌های ظهور آن ساخت شهرهای متعدد ساسانی محسوب می‌شود؛ شهرهایی که بخشی از مهمترین آن‌ها دارای نقشه مدور است.

در کنار ویژگی‌های بنیادین آرمانشهر، نقشه منظم و از پیش طرح شده شهرهای ساسانی به صورت

مدور و منظم بود (امیرحسینی، ۱۳۹۶: ۸). کالبد مدور، شهرها تصویری از جهان سامانمند و نظم یافته آرمانی را شکل می‌داد. چرا که هستی و آفرینش الهی در اندیشه ایشان شکلی مدور و منظم داشت. بنابراین شهرهای مدور ساسانی تجلی و تبلور نظم مقدس کیهانی و نمونه‌ای از آرمانشهر دانسته می‌شد. اجزای این شهرها نیز نمادی قدسی و برآمده از التزام به اشته را تداعی می‌کرد. وجود باغ در شهرهای ساسانی تمثالی از بهشت زرین، معبد تجسمی از کل کیهان، گنبد نمودی از فلک و ستون‌های معبد تمثالی از درختان مقدس و نماد برکت‌آوری بود.

در رابطه با شهرهای دایره‌ای شکل، می‌توان به شهرهای دارابگرد، اردشیر خوره، مرو و تخت سلیمان اشاره کرد. دارابگرد شهر مدوری است که قطر آن دو و محیط آن به شش کیلومتر می‌رسد. پیرامون شهر، خندقی عمیق وجود داشت که تردد بر روی آن به وسیله چهار پل در مقابل چهار دروازه شهر صورت می‌گرفت. بنابراین این شهر چهار دروازه داشت که به چهار سوی جهان گشوده می‌شد. اردشیر خوره یکی دیگر از شهر ساسانی است که نمود کاملی از شهر مدور است و کالبد فیزیکی این شهر به صورتی است که این شهر نیز مانند شهر دارابگرد چهار دروازه داشت که به چهار سوی جهان گشوده می‌شد؛ زیرا جهان چهار بخش دارد پس باید شهر به هر چهار سمت اشراف داشته باشد (مهر آفرین، ۱۳۹۳: ۹۲-۹۳). با توجه به کیفیت آثار به جا مانده از اردشیر خوره و همچنین اهمیت و جایگاه اردشیر بابکان در سامان‌یابی نظام اجتماعی دوران ساسانی، در ادامه به بررسی اردشیر خوره به عنوان نمونه‌ای از شهرهای مدور ساسانی پرداخته می‌شود.

آثار شهر اردشیر خوره

شهر اردشیر خوره در زمان اردشیر یکم و شاپور یکم ساخته شد و در نهایت در سده ۱۰ و ۱۱ م. متروک شد. مطابق گزارش مورخان، شهر اردشیر خوره پس از تصرف کرمان (در سال ۲۱۱-۲۱۲ م.) از سوی اردشیر یکم ساخته شده است. منابع گزارش می‌دهند که «اردشیر بر علیه [اردوان چهارم] شورش کرد و از دارابگرد [شهری که ارگبد آن بود] به اردشیر خوره حرکت کرد و استحکاماتی در آنجا ساخت (Daryaee, 2010: 248). شهر اردشیر خوره، دایره‌ای شکل و دارای قطری برابر با ۱۹۵۰ متر است و به بیست قسمت و تعدادی خیابان‌های شعاعی تقسیم می‌شود. دیوار اصلی آن از خشت قالبی ساخته شده و دارای خندقی به عرض ۳۵ متر

مسعودی، ابن حوقل، مقدسی، ابن بلخی، مستوفی، جیحوانی، در توصیف شهر اردشیرخوره یک بنای برج مانند را مورد اشاره قرار داده و آن را طربال خوانده‌اند (حیدری، ۱۴۰۱: ۱۶۷). کارکرد این بنا به عقیده بیشتر سیاحان و باستان‌شناسان (همانند: دیولافوا^{۱۵}، هرتسفلد^{۱۶}، روتیر^{۱۷}، گدار^{۱۸}، واندنبرگ^{۱۹} و هوف^{۲۰}) محلی برای عبادت بوده است (ایمانی، رحیم زاده و طهماسبی، ۱۳۹۵: ۱۰۱). در پژوهشی دیگر فضای بالای طربال را مرتبط با معبد آناهیتا دانسته‌اند (Mehrfarin, 2013: 236). بنابراین، مرکز شهر، نمادی همبسته با آناهیتا و نیلوفر بوده و همچون گل نیلوفر، محل رویش تفکر دینی و جایگاه روح قدسی شهر بود.

بوده است (حیدری، ۱۴۰۱: ۱۶۷). چهار دروازه با فاصله یکسان از یکدیگر، در جهات اصلی قرار گرفته‌اند که شهر را به چهار بخش تقسیم می‌کند. هر ربع شهر، پنج شعاع دارد و در مجموع شهر دارای بیست شعاع متحدالمرکز است (کیانی، ۱۳۶۶: ۷۶). در مرکز شهر، دایره‌های مرکزی وجود دارد که محل ساخت بناهای مهم شهر بوده است. بر این اساس تصویر پلان شهر، تصویری مشابه گل نیلوفر است (تصویر ۱). در مرکز این شهر دو بنا شامل یک برج و یک طربال مورد توجه پژوهشگران بوده است.

بیشتر مؤلفان اسلامی همچون طبری، استخری،



تصویر شماره ۱ نمای هوایی آثار بجای مانده از شهر ساسانی اردشیر خوره. (منبع: URL1).

حکمت قدسی بر آمده از اشته را آشکار می‌کند. دایره مرکزی شهر، مقدس‌ترین مکان و محل ظهور خدای بزرگ بود. در دایره مرکزی، دو اثر مشهور به طربال و تخت‌نشین قرار دارد. مطابق اندیشه‌های اوستایی، طربال نماد کوه تئیره (تیرگ) در مرکز جهان و در سرزمین ایرانویج قرار دارد، جایی که از آن چشمه‌هایی جاری است (حیدری، ۱۴۰۱: ۱۷۱). علاوه بر تجلی نظم که تصویری از نظم مینوی است، این شهرها معیاری برای دادگری شاه بود، چرا که در بنیان خویش‌کاری اصلی ایشان بنای آرمانشهر بود و با عمل به خویش‌کاری، ایشان دادگری خود را محقق ساخته و شایسته دریافت فره ایزدی و حمایت قدسی در نبرد خیر و شر بودند.

تخت‌نشین نیز دیگر بنای مورد توجه مورخان بوده است. این بنا در دایره میانی شهر اردشیرخوره و در فاصله ۱۵۰ متری شمال‌شرق منار (طربال) قرار دارد. نقشه بنا مربع مستطیل در مرکز سکویی به ابعاد ۸۲ و ۶۶ متر ساخته شده است (هرتسفلد، ۱۳۵۵: ۱۵۳-۱۵۲). مؤلفان اسلامی چون استخری و ابن حوقل تخت‌نشین، را با نام‌هایی چون ایوان، ایوان کیاخره (اسوتخری و ابون حوقل) گنبد کیرمان (ابن بلخی) مورد بررسی قرار داده‌اند (ایمانی و دیگران، ۱۳۹۵: ۹۷). در نهایت، پژوهشگرانی که به بنای تخت‌نشین پرداخته‌اند، آن را به عنوان مکانی مقدس برای عبادت مورد تحلیل قرار داده‌اند (هوف، ۱۳۶۶: ۸۱-۷۹). بر این اساس، شهر اردشیرخوره مدور و خیابان‌ها با شعاع‌ها و دوایر متحدالمرکز،

جدول شماره ۳ چگونگی انطباق یافتن نظام اندیشگانی، اجتماعی و زیبایی شناسانه در دوران ساسانیان. (منبع: نویسندگان)

ردیف	نظام اندیشگانی	نظام اجتماعی	نظام زیبایی شناسانه
۱	ادراک هستی‌شناسانه (بویس، ۱۳۹۲: ۴۳)	شهر مدور دارابگرد شهر مدور اردشیرخوره	نقش نیلوفر در زیرپای میترا در انتصاب اردشیر دوم نقش نیلوفر در دوسوی شاپور اول
۲			
۳	آرمانشهر	انطباق شهر و فرم اجتماعی با نظم درک شده از هستی	انطباق فرم زیبایی شناسانه با نظم درک شده از هستی
۴	خویش‌کاری	شکل دهی به فرم اجتماعی مبتنی بر محدوده مشخص افراد، براساس تفکیک خویشکاری‌های مختلف	طراحی فرمی واحد با استفاده از اجزائی متمایز و شکل‌دهی به بخش‌هایی قابل تشخیص
۵	دادگری	بنای شهر منطبق با ادارک اشه و برقراری نظم اجتماعی بر مبنای تحقق نظم سلسله مراتب و انسجام طبقات در چارچوب شهر	اجرای فرم بصری مبتنی بر شکل‌گیری نظم فرم‌های تکرار شونده در لایه‌های متحدالمرکز
۶	شاه فره‌ممند	قرارگیری شاه در مرکز شهر، به عنوان محل ارتباط با آفریدگار و محور اجتماع، براساس تعهد او به اشه و دادگری، خوشکاری او به عنوان شاه فره‌ممند آرمانی، بنا و حفظ نظم مقدس شهر و فره‌مندی ساکنین است.	وجود آن در صحنه‌های پیروزی بر شر و کسب فره ایزدی، به عنوان نماد اشون بودن شاه و تصدیق دادگری او با که شایستگی فره‌مندی او را اعلام می‌کند

نتیجه‌گیری

فرم زیبایی‌شناسانه و اجتماعی ایران شهری به طور توأمان اثرگذار بوده است. از آنجا که نیلوفر چه به لحاظ مفهومی و چه به لحاظ فرمی، نزدیک ترین نماد به اشه بوده، این فرم به عنوان الگوی برگزیده زیبایی‌شناسی و فرم نقشه شهرها به عنوان مهمترین الگوی اجتماعی انتخاب می‌شود. بر این اساس شکل دادن به فرم هنری و همچنین فرم اجتماعی، مبتنی بر نقش نیلوفر به عنوان نماد اشه، عملی دادگرانه و الزام آور بوده و همچنین اعلام شایستگی برای کسب فره ایزدی برای شاهی دادگر را نیز به همراه داشت.

پی‌نوشت‌ها

- 1 Asha
- 2 Rta
- 3 Arta
- 4 RA
- 5 Amun
- 6 Hapi
- 7 Horus

در پاسخ به سؤال این پژوهش، این نتیجه قابل طرح است که در دوران ساسانی، نقش نیلوفر به عنوان نماد اشه، الگویی بنیادین در فرم زیبایی‌شناسانه و اجتماعی بوده است و محقق کردن آن با دادگری و شایستگی برای کسب فره ایزدی همراه بوده است. این موضوع دارای اهمیت است که در چارچوب اندیشه سیاسی ایران شهری، دادگری به معنای عمل بر اشه، فعلی الزام آور بوده و تبلور نقش نیلوفر نیز به عنوان یک قانون و الگوی اجتماعی و زیبایی‌شناسانه در این دوران مطرح بوده است. نظام اندیشه سیاسی ایران شهری، اشه را به عنوان الگوی نظم مقدس کیهانی و قانونی فراگیر طرح می‌کرد. بر این اساس هر فعل و رفتاری در چارچوب اشه درک می‌شد و عمل به اشه بخشی از خویشکاری هر فرد محسوب می‌شد که با مفهوم دادگری تعریف می‌شد و در صورت دادگری، شایسته کسب فره ایزدی می‌بود. این درک از هستی، بر شکل‌گیری

15 Deulofeu
16 Ernst Herzfeld
17 Reuter
18 André Godard
19 Vandenberg
20 Houf

8 Osiris
9 Nefertem
10 Agni
11 Lakshemi
12 Sarasoti
13 Papak
14 Vendidad

منابع

- احمدوند، شجاع (۹۸۳۱). منظومه های معنادار پشتیبان حکومت آرمانی در اندیشه سیاسی ایران. **پژوهش حقوق عمومی**، ۲۱ (۹۲)، ۴۲-۲۵.
- اصغریان بافنده، فهیمه؛ شیخی، علیرضا (۹۹۳۱). تحلیل ساختار بصری الهه باروری و مضامین وابسته به آن در ایران باستان. **پژوهش نامه گرافیک نقاشی**، ۳ (۴)، ۴-۸۱.
- اکبری، پریسا؛ داداشی، ایرج (۹۹۳۱). اشنه در مفهوم اکمال و ارتباط آن با هنر، **تأملات فلسفی**، ۰۱ (۵۲)، ۱۸۲-۲۱۳.
- الداغی، آناهیتا (۷۹۳۱). تأثیر گل نیلوفر آبی بر باورهای اسطوره ای ایران و هند، **نامه فرهنگستان ویژه نامه (شبه قاره)**، ۸، ۳۲۱-۶۳۱.
- امیرحسینی، پرنیا (۶۹۳۱). تأثیر عناصر، شکل و ساختار شهرهای ساسانی بر شهرهای اولیه دوره اسلامی، **جنبدی شاپور**، ۳ (۹)، ۱-۱۱.
- انصافی، مصطفی؛ احمدوند، شجاع (۸۹۳۱). دین و دولت در عهد ساسانی؛ درآمدی بر الهیات سیاسی زرتشت. **رهیافت های سیاسی و بین المللی**، ۱۱ (۱)، ۴۳-۷۵.
- ایرانی ارباطی، غزاله؛ خزایی، محمد (۶۹۳۱). نمادهای جانوری فزه در هنر ساسانی. **نگره**، ۲۱ (۳۴)، ۸۱-۹۲.
- ایونس، ورونیکا (۵۷۳۱). **اساطیر مصر**، ترجمه باجلان فرخی، تهران: اساطیر.
- ایمانی، نادیه؛ رحیم زاده، محمدرضا؛ طهماسبی، احسان (۵۹۳۱). بررسی جایگاه شهر گور در دوره ی ساسانیان و چیستی و کارکرد بناهای میانی آن. **پژوهش های باستان شناسی ایران**، ۶ (۱۱)، ۱۹-۶۰.
- اوشیدری، جهانگیر (۱۷۳۱). **دانشنامه مزدیسنا**، چاپ دوم، تهران: مرکز.
- ایزدپرست، زیبا (۵۸۳۱). گیاه لوتوس تا اسلیمی و ختایی، **رهیویه هنرهای تجسمی**، ۲ (۱)، ۸۵-۱۶.
- آخوندی، زهرا؛ افهمی، رضا؛ پورمند، حسن علی (۷۹۳۱). مطالعه تطبیقی نمادها و نقش مایه های تزئینی تخت جمشید و دژ اربونی، **پژوهش در هنر و علوم انسانی**، ۳ (۰۱)، ۵۷-۷۸.
- بلخاری، حسن (۹۸۳۱). نیلوفر ایرانی، نیلوفر بودایی (بررسی موردی: نقش نگاره تاجگذاری اردشیر دوم در طاق بستان)، **نگره**، ۵ (۶۱)، ۵۲-۹۱.
- بویس، مری (۲۹۳۱). **منابع مکتوب دین زرتشتی**، ترجمه شیما جعفری، تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی.
- پورداود، ابراهیم (۲۴۳۱). **آناهیتا، پنجاه گفتار پورداود**، بکوشش مرتضی گرجی، بی جا: بی نام.
- حسونند، محمد کاظم؛ شمیم، سعیده (۳۹۳۱). بررسی نقشمایه گل لوتوس در هنر مصر، ایران و هند. **جلوه هنر**، ۲۲-۰۴ (۱)، ۶.
- حیدری، احمد. (۱۰۴۱). ساخت شهر اردشیرخوره بر پایه اندیشه مَنذَلَه ی اوستایی-ودایی و ارتباط آن با خاستگاه ساسان. **جستارهای باستان شناسی ایران پیش از اسلام**، ۷ (۱)، ۳۶۱-۶۷۱.
- دادگی، فرنېغ (۸۷۳۱). **بندھش**، ترجمه مهرداد بهار، چاپ دوم، تهران: توس.
- دارا، جلیل؛ صادقی، الهه (۰۰۴۱). تأثیر آرمانشهر بر شکل گیری مفهوم شهر در دوران ساسانی. **تحقیقات تاریخ اجتماعی**، ۱۱ (۲)، ۵۸-۱۱۱.
- رستموندی، تقی (۸۸۳۱). **اندیشه ایران شهری در عصر اسلامی**، تهران: امیرکبیر.
- رضایی راد، محمد (۸۷۳۱). **مبانی اندیشه سیاسی در خرد مزدایی**، تهران: طرح نو.
- رجایی، فرهنگ (۳۷۳۱). **معرکه جهان بینی ها**، تهران: شرکت انتشارات احیا کتاب.
- رضوی، اکرم السادات؛ خواجه گیر، علیرضا (۲۹۳۱). بررسی نقش نیلوفر آبی در هنر ایران باستان و دوران اسلامی، **پژوهش هنر دانشگاه اصفهان**، ۳ (۶)، ۱۰۱-۱۱۱.
- روشنی، میثم؛ کشاورز افشار، مهدی (۲۰۴۱). ظهور سنت اندر زدهی سیاسی در نگاره دارا و رمه دار، بوستان سعدی نسخه ۳۹۸ هجری قمری. **جلوه هنر**، ۵۱ (۴)، ۷۴-۶۶.
- روشنی، میثم؛ کشاورز افشار، مهدی (۳۰۴۱). مطالعه آشکارگی ضرورت دادگری در نگاره کاخ خورنق اثر کمال الدین بهزاد. **فصلنامه نگره**، ۹۱ (۰۷)، ۹۴۱-۷۶۱.
- سنگاری، اسماعیل؛ کرباسی، علیرضا (۶۹۳۱). رابطه مفاهیم «فرّه» و «خویشکاری» براساس متون پهلوی و کارکرد اجتماعی آنها در اندیشه سیاسی ایران باستان. **مجله مطالعات ایرانی**، ۶۱ (۱۳)، ۵۲۱-۹۳۱.
- طباطبایی، جواد (۹۹۳۱). **خواجه نظام الملک طوسی گفتار در تدویم فرهنگی**، تهران: طرح نو.
- غلامپور درزی، فاطمه؛ علی اسماعیلی، عبدالله (۹۹۳۱). نمادینگی نیلوفر آبی، مضمون مشترک در پهنه جغرافیای

- فرهنگی عصر هخامنشی و ساسانی. *مطالعات زبان فارسی*. ۱(۱)، ۹۶۱ - ۸۸۱.
- کشاورز افشار، مهدی؛ طاووسی، محمود؛ ضیمران، محمد (۱۳۸۱). اندیشه سیاسی ایرانشهری در نگارگری ایرانی، مطالعه موردی: نگاره بهرام گور و شبانی که سگش را به دار آویخته است از خمسه نظامی، مربوط به دوره شاه تهماسب صفوی. *نامه هنرهای تجسمی و کاربردی*، شماره ۶، ۵۳-۶۵.
 - کریستین سن، آرتور (۱۳۸۱). *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه رشید یاسینی. تهران: دنیای کتاب.
 - کیانی، محمدیوسف (۱۳۸۱). *شهرهای ایران*، ج ۲، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد، ۵۷-۹۹.
 - گیرشمن، رمان (۱۳۸۱). *ایران از آغاز تا اسلام*، ترجمه محمد معین، چاپ نهم، تهران: علمی و فرهنگی.
 - فرقدان، عاطفه؛ هوشیار، مهران (۱۳۸۱). بررسی تطبیقی مفاهیم گل نیلوفر آبی در ایران، هند و مصر، *نقش‌مایه*، ۳(۶)، ۸۵-۹۴.
 - مبینی، مهتاب؛ شافعی، آزاده (۱۳۹۱). نقش گیاهان اساطیری و مقدس در هنر ساسانی (با تأکید بر نقوش برجسته و فلزکاری)، *جلوه هنر*، ۷(۴۱)، ۴۶-۵۴.
 - مزدپور، کتیون؛ الوند، حمیدرضا (۱۳۹۱). *وندیداد*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
 - مولوی، جلال الدین محمد بلخی (۱۳۷۳). *مثنوی معنوی*، تهران: نشر علم.
 - موله، ماریان (۱۳۸۱). *ایران باستان*، ترجمه ژاله آموزگار، تهران: توسن.
 - مهرآفرین، رضا (۱۳۹۳). *شهرهای ساسانی*، تهران: سمت.
 - میرزا پور آل‌هاشم، صدیقه سادات؛ محمودی، ابوالفضل (۱۳۹۳). «آشه» در متون اوستایی، *پژوهش‌های هستی‌شناختی*، ۹(۷۱)، ۵۹۱-۱۷۱.
 - نیبرگ، هنریک ساموئل (۱۳۵۳). *دین‌های ایران باستان*، ترجمه سیف‌الدین نجم آبادی، تهران: مرکز ایرانی مطالعه فرهنگ‌ها.
 - واندنبرگ، لوئی (۱۳۸۱). *باستان‌شناسی ایران باستان*، ترجمه عیسی بهنام، تهران: دانشگاه تهران.
 - هوف، دیتیش (۱۳۸۱). *شهرهای ایران*، محمدیوسف کیانی، جلد ۲، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

References

- Akabri, P. & dadashi, I. (2020). "Asha In The Concept Of Evolution And Its Relevant To Art". *Philosophical Meditation*. 10(25), 281 – 312. (Text in Persian).
- Akahundi, Z., Afhami, R., & Pourmand, H. (2018). "Comparative Ó Ő Ő Ő of symbols and decorative motifs of Persepolis and Erebus Fortress". *Research in Art and Humanities*, 3(10), 75-87. (Text in Persian).
- Amirhosseini, P. (2017). "The impact of elements, form, and structure of Sassanian cities on the early Islamic period cities". *Jundi Shapur*, 3(9), 1-11. (Text in Persian).
- Ahmadvand, S. (2010). "The ideal system of government in supporting meaningful political thought in Iran". *Public Law Research*, 12(29), 24-52. (Text in Persian).
- Asqarian Bafandeh, S., & Sheikhi, A. (2020). "Analysis of the Visual Structure of the Fertility Goddess and Its Related Themes in Ancient Iran". *Journal of Graphic Arts and Painting Research*. 3(4), 4-18. (Text in Persian).
- Balkhari, H. (2010). "Iranian Lotus, Ó Ő Ő Ő Lotus (Case study: The Coronation of Ardashir II in Taq-e Bostan)". *Negareh*, 5(16), 25-19. (Text in Persian).
- Boyce, M. (2013). *Written sources of Zoroastrian religion*, translated by: Shima Jafari. Tehran: Center for the Great Islamic Encyclopedia. (Text in Persian).
- Christensen, A. (1989). *Iran During the Sassanian Period*, translated by: Rashid Yasemi. Tehran: Donyaye Ketab. (Text in Persian).
- Dadgi, F. (1999). *Bundahishn*, translated by: Mehrdad Bahar (2nd ed.). Tehran: Toos. (Text in Persian).
- Daghi, A. (2018). "The influence of the lotus flower on the mythological beliefs of Iran and India". *Nameh Farhangestan Special Issue (Subcontinent)*. 8, 123-136. (Text in Persian).
- Dara, J., & Sadeghi, E. (2021). "The impact of Utopia on the formation of the concept of the city in the Sassanian era". *Social History Studies*, 11(2), 85-111. (Text in Persian).

- Daryaei, T. (2010). "Ardeshir and the Sasanians' Rise of Power". *Anabasis: Studia Classica et Orientalia, University of California*: 236-255.
- Ensafi, M. and Ahmadvand, S. (2019). Religion and Government in Sasanian Era: Introduction to the Study of the Lotus Flower in Sassanid Art. *Political and International Approaches*, 11(1), 34-57.
- Farghadan, A., & Houshyar, M. (2010). "Comparative study of lotus flower concepts in Iran, India, and Egypt". *Naqsh-Maye*, 3(6), 49-58. (Text in Persian).
- Ghirshman, R. (1957). *Iran from the Beginning to Islam*, translated by: Mohammad Moein, (9th ed.). Tehran: Elmi va Farhangi. (Text in Persian).
- Gholampour Darzi, F. and Ali Esmaili, A. (2020). Lotus Symbolism, a Common Concept in Geographical-Cultural History of Achaemenians and Sassanids. *Motaleat-e-zaban-e-farsi*, 3(5), 169-187.
- Hasanvand, M. K., & Shamim, S. (2014). "The motif of the lotus flower in Egyptian, Iranian, and Indian art". *Jelve-e Honar*, 6(1), 22-40. (Text in Persian).
- Heidari, A. (2022). "The Vedic Mandala thinking and its connection with the origin of Sasan". *Iranian Pre-Islamic Archaeological Studies*, 7(1), 163-176. (Text in Persian).
- Imani, N., Rahimzadeh, M., & Tahmasebi, E. (2016). "The position of the city of Gour in the Sassanian era and the nature and function of its central buildings". *Iranian Archaeological Research*, 6(11), 91-106. (Text in Persian).
- Iones, V. (1996). *Myths of Egypt*, translated by: Bajelan Farrokhi. Tehran: Asatir. (Text in Persian).
- Irani Arbaty, G., & Khazaie, M. (2017). The Study of Farrah's symbols in Sassanid art. *Negareh Journal*, 12(43), 18-29.
- Izadparast, Z. (2006). "Lotus plant to Islamic and Khatayi motifs". *Visual Arts Pathway*, 2(1), 58-61. (Text in Persian).
- Keshavarz Afshar, M., Tavousi, M., & Zimran, M. (2010). "Iranshahr political thought in Iranian miniature painting, Case study: Bahram Gur and the shepherd who hanged his dog from Nezami's Khamseh, from the Safavid Shah Tahmasp period". *Journal of Visual and Applied Arts*, 6, 35-56. (Text in Persian).
- Kiani, M. Y. (1987). *Cities of Iran* (Vol. 2). Tehran: Ministry of Culture and Guidance, 75-99. (Text in Persian).
- Mazdapour, K., & Alvand, H. (2012). *Vendidad*. Tehran: Center of Humanities and Cultural Studies. (Text in Persian).
- Mehr Afarin, R. (2013). "Terra: Water or Fire Temple. Anahita: Ancient Persian Goddess and Yazata, Payam Nabarz (ed.), *Avalonia*, 236-246.
- Mehr Afarin, R. (2014). *Sassanian Cities*. Tehran: Samt. (Text in Persian).
- Mirzapour Al-Hashem, S. S., & Mahmoudi, A. (2020). "Asha" in Avesta texts". *Ontology Research*, 9(17), 171-195. (Text in Persian).
- Mobini, M., & Shafiei, A. (2015). "The role of mythological and sacred plants in Sassanian art (With emphasis on reliefs and metalwork)". *Jelve-e Honar*, 7(14), 45-64. (Text in Persian).
- Moul, M. (1986). *Ancient Iran*, translated by: Zhaleh Amoozgar. Tehran: Tousan. (Text in Persian).
- Nyberg, H. S. (1976). *Ancient Iranian Religions*, translated by: Seyf-od-Din Najmabadi. Tehran: Center

for Iranian Studies. (Text in Persian).

- Ooshidari, J. (1992). *Encyclopedia of Zoroastrianism* (2nd ed.). Tehran: Markaz. (Text in Persian).
- Pourdavoud, E. (1963). *Anahita, Fifty Essays of Pourdavoud* (Morteza Gorji, Ed.). Unknown: Unnamed. (Text in Persian).
- Rajai, F. (1994). *Battle of Worldviews*. Tehran: Revival Book Publishing Company. (Text in Persian).
- Razavi, A. S., & Khajeghir, A. (2013). "The study of the lotus flower in ancient Iranian and Islamic art". *Art Research University of Isfahan*, 3(6), 101-111. (Text in Persian).
- Rezaei-Rad, M. (1999). *Fundamentals of Political Thought in Mazdean Wisdom*. Tehran: Tarh-e No. (Text in Persian).
- Rostamvandi, T. (2009). *Iranshahr Ideology in the Islamic Era*. Tehran: Amir Kabir. (Text in Persian).
- Roshani, M., & Keshavarz Afshar, M. (2023). "The emergence of political counsel tradition in Dara and Ramandar painting, Bustan Saadi manuscript 893 AH". *Glory of Art (Jelve-e Honar)*, 15(4), 47-66. (Text in Persian).
- Roshani, M., & Keshavarz Afshar, M. (2024). "The study of the necessity of justice in Khuranq Palace painting by Kamaledin Behzad". *Negareh Quarterly*, 19(70), 149-167. (Text in Persian).
- Sangari, E., & Karbasi, A. (2017). "The relationship between the concepts of "Farr" and "Khvashkari" based on Pahlavi texts and their social function in ancient Iranian political thought". *Iranian Studies Journal*, 16(31), 125-139. (Text in Persian).
- Tabatabaei, J. (2020). *Khwaja Nezam al-Mulk Tusi Discourse on Cultural Continuity*. Tehran: Tarh-e No. (Text in Persian).
- Vandenberg, L. (1989). *Archaeology of Ancient Iran*, translated by: Isa Behnam. Tehran: University of Tehran. (Text in Persian).

URLs

- URL1: <http://aminmalekzadeh.com/albums/aerial-photography>, date access: 2/13/2024.
- URL2: [https://commons.wikimedia.org/wiki/File:KINGS_of_PERSIS._Vādfraḍād_\(Autophradates\)_I._3rd_century_BC.jpg](https://commons.wikimedia.org/wiki/File:KINGS_of_PERSIS._Vādfraḍād_(Autophradates)_I._3rd_century_BC.jpg), date access: 2/13/2024.
- URL3: https://commons.wikimedia.org/wiki/File:Taq-I_Ā_ NŌ Ō Ĩ N_ -_High-relief_of_Ardeshir_II_investiture.jpg, date access: 2/13/2024.
- URL4: https://commons.wikimedia.org/wiki/File:The_triumph_of_Shapur_I_over_the_Roman_emperors_Valerian_and_Philip_the_Arab,_Naqsh-e_Rostam,_Iran_%2848098710736%29.jpg, date access: 2/13/2024.
- URL5: <https://depts.washington.edu/silkroad/museums/shm/shmpazyryk.html>, date access: 2/13/2024.
- URL6: https://en.m.wikipedia.org/wiki/File:Derafsh_Kaviani_flag_of_the_late_Sassanid_Empire.svg, date access: 2/13/2024.
- URL7: <https://handako.ir/الگوها-کهن-نیلوفر-گل-نشانه-شناسی>, date access: 2/13/2024.
- URL8: <https://iranationalmuseum.ir/fa/۴-موزه-ایران-هنر-زیرین-شاهکار-هفت-شاهکار-زیرین-هنر-ایران-در-موزه-۴>, date access: 2/13/2024.
- URL9: https://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/a/a8/Lotus_Achaemenid_architecture.JPG, date access: 2/13/2024.
- URL10: https://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/a/af/Darius_In_Parse.JPG, date access: 2/13/2024.
- URL11: <https://www.pinterest.co.uk/pin/lotus--544583779915292964/>, date access: 2/13/2024.

Research Article



<https://arjgap.alzahra.ac.ir/>

The Lotus Motif and Sasanian Circular City Maps in Relation to the Iranshahri Concepts

Abstract:

One of the most significant characteristics of the civilization-building efforts of Iranians throughout history has been their endeavor to consolidate a comprehensive and universal thought. This ideology integrates all dimensions of individual and societal life, including politics, religion, ethics, and art, responding to the comprehensive needs necessary for the establishment of Iranian civilization. Iranshahri political thought, by shaping the Iranian epistemological framework and addressing various social and individual necessities, is regarded as a pivotal component in the formation of Iranian identity, particularly during critical historical periods like the Sassanian era.

Key concepts such as the struggle between good and evil, the divine cosmic order, the sacred nature of power, the integration of politics with religion, justice, essence, the tripartite social classification, and the theory of utopia are fundamental to Iranshahri political thought. This conceptual system, articulated by Javad Tabatabaei based on the ancient Iranian political system, posits that Iranshahri political thought matured from the pre-Zoroastrian era to the Zoroastrian era and found practical application during the Achaemenid and especially the Sassanid periods.

In essence, Asha can be equated with truth and righteousness, sanctity, divine law and ritual, and purity. Asha, known as Rate in the Vedas, in the Avesta as Asha, and in ancient Persian inscriptions as Arte, was a specific Indo-Iranian concept understood as the sustaining force of the world order and the eternal honor of nature. Asha represents the sacred cosmic order, perceived as a divine law. In ancient concepts, law encompassed



Meysam Roshani

Ph.D Student of Art Studies, Faculty of Art and Architecture, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran, Corresponding Author.

meysamroshani@modares.ac.ir

Ali Asghar Fahimifar

Associate Professor, Department of Art Studies, Faculty of Art and Architecture, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

fahimifar@modares.ac.ir

Date Received: 2024-11-10

Date Accepted: 2024-12-24

1- DOI: 10.22051/pgar.2024.48877.1300

cosmic, natural, and eternal rules and limits that humans were compelled to accept and follow. Consequently, virtue and goodness were defined by greater conformity to this eternal honor. This concept shaped the perception of life and the universe, creating a systematised whole.

Asha is also seen as a symbol of nature, the order of social and religious life, and at the highest level, the sacred cosmic order, influencing the life and orderly levels of natural beings and all aspects of existence. This sacred order, being the measure and rule for all that exists and is true, fundamentally embodies truth and righteousness, encompassing all beings. As a result, the concept of essence, which links the basis of existence at both the macro and micro levels, is understood through this sacred order. Accordingly, understanding the concept of good and evil, emerging from the sacred cosmic struggle, is also based on essence and gains meaning in relation to it. By accepting the world as a battleground for good and evil forces, where humans must choose and participate in this cosmic struggle, we approach another level of understanding the essence of human and cosmos.

This thought was founded on the understanding of law as the sacred order of existence, further strengthened by emphasizing justice. In this thought, law is considered divine, and justice signifies its implementation. Justice, as the core characteristic, determines the scope of each individual's mentality, speech, and behaviour by making actions obligatory, thus shaping the social system. Beyond this, justice, through various transformations and expansions, imparts meaning to the conceptual structure with an essence-derived understanding, rendering it valuable. Consequently, this structure also defines the methodology and criteria for valuation in Iranshahri thought. Hence, the aesthetic values and Iranian ethics can be seen as derived from the Iranian comprehension of essence and commitment to justice as the primary model of individual

action. In this system, artistic forms should epitomize justice and result from just human behaviour. Such coherence, particularly in the early Sassanian era, highlights similar aspects in various social and artistic structures.

The city plan of Ardashir Khereh, established by Ardashir I, founder of the Sassanid dynasty, exemplifies a lotus motif in social life. Similarly, the lotus motif appears prominently in Sassanian decorations and significant reliefs, such as the coronation of Ardashir II and the victory of Shapur I, as an aesthetic form. This special similarity underscores the importance and necessity of this research, visible in the aesthetic and social forms of this period. Hence, the study raises the question: what is the relationship between the appearance of the lotus motif in the social and aesthetic forms of the Sassanian era and the Iranshahri conceptual system?

In ancient Iran, mythology and religion portrayed the dualistic perception of existence based on the forces of truth and falsehood, shaping political order as a reflection of cosmic order and the overarching conflict between the good and the evil. The necessity of the king's justice within the concept of utopia positioned the Iranian king as a symbol of sacred, political, and ethical aspects of Iranshahri thought. Given the expectation to establish order and combat demonic forces in Iranshahr, the ideal king was the principal agent of the political system, transforming thought into action and ideals into reality through his justice. Since justice, as the king's primary duty, means the implementation of divine law Asha, the religious role of the king was intrinsic to Iranshahri thought and inseparable from his position. In other words, the king's status was equivalent to the shadow of God on earth. The actions of the ideal king were understood as a repetition of divine acts in creating and organising the cosmos. With the king's presence, Asha permeated society, establishing social order such that Iranshahr, embodying utopian qualities, would align with Asha. Hence,

the ideal and sacred model of Iranian understanding of the regular repetition of actions, essential for life's continuity and survival, manifested in the king's justice, aimed at creating social order in the utopia, and was a binding sacred law impacting all affairs.

The research employs a descriptive-analytical and historical method, with data collection through documentary and library sources. The study analyses the role of the lotus motif in the reliefs of Ardashir II's coronation, Shapur I's victory, and the maps of Darabgerd and Ardashir Khoreh cities. The sample selection is purposeful, and data analysis is qualitative. Based on documents and library resources, the concept of justice is elucidated according to Iranshahri thought. Subsequently, in relation to the conceptual structure arising from the understanding of justice, the appearance of the lotus motif in the studied examples (aesthetic forms of reliefs and social forms of Sassanian cities) is analysed.

The research concludes that in the Sassanian era, the lotus motif, as a symbol of Asha, was a fundamental model in aesthetic and social forms. Its realisation was linked to justice for acquiring divine favour. This is significant because in the context of Iranshahri political thought, justice, in acting on the Asha, was obligatory, and the crystallization of the lotus motif was considered a social and aesthetic law. The Iranshahri political thought system proposed essence as a model of sacred cosmic order and comprehensive law. Every action and behaviour were understood within the essence framework, defining individual duties by justice, and the just king was deemed worthy of divine favor. This understanding simultaneously influenced the formation of aesthetic and social forms in Iranshahri. Since, the lotus, conceptually and formally is closest to Asha, this motif was chosen as the primary aesthetic model, and the city map pattern as the most important social model. Thus, shaping artistic and social forms based on the lotus motif as Asha's symbol was just and binding, also declaring the just king's

worthiness for divine grace.

Keywords: Lotus, Sasanian city, Iranshahri political thought, Aesthetics